دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱٤٠٠، ص: ۳۳-۹ Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer ۲۰۲۱, ۱۵(۲۸), P:۹-۳۳



# Analyzing and Studying the Conflict between the Quran and Science from Reality to Illusion\*

Ali Karimpoor Qaramaleky` Baqir Riahi Mehr<sup>v</sup>

#### **Abstract**

In Western history, the claim of opposition or interaction between science and religion has long been a topic of discussion. Especially since the Renaissance, these issues have been discussed between science and the Bible. In recent years, the orientalists have sought to extend the same claim to the connection between science and the Quran. They sought to prove this issue by making various claims such as the ambiguity of Quranic truths, being a mystery, untestability, certainty, various secrets, etc. In this article, using a descriptive-analytical method, an attempt is made to establish the concordance and interaction between the two in the dimension of empirical sciences by relying on some different verses of the Quran, instead of claiming a conflict between the science and the Holy Quran. Therefore, by examining each of their reasons, it was concluded that only an apparent and superficial conflict may occur between human understanding of the truths of existence and the Quranic understanding. This does not mean a real conflict between certain empirical science and the true and explicit meanings of the Holy Quran.

**Keywords:** Conflict, Quran, Experimental Science, Quran and Science, Reality and Illusion.

Y. PhD Candidate in Quran and Orientalists, Al-Mustafa International University, Qom; dr.riahi@chmail.ir.



<sup>\*.</sup> Date of receiving: 7, April, Y.Y. Date of approval: Yo, June, Y.Y.

<sup>\.</sup> Assistant professor and member of staff Al-Musatafa university(Corresponding Author): <a href="mailto:karimpoorali@yahoo.com">karimpoorali@yahoo.com</a>



مقاله علمي ـ يژوهشي

# بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم \*

# علی کریم پور قراملکی' باقر ریاحی مهر'

#### چکیده

در تاریخ غرب، ادعای تقابل یا تعامل علم و دین از دیرباز محل گفتگو بوده است. بهخصوص از دوران رنسانس به بعد، مباحث مذکور میان علم و انجیل پی گرفته شد. در دوران متأخر، مستشرقان نیز درصدد برآمدند، همین ادعا را در ارتباط بین علم و قرآن تسری بخشند. آنان با اقامه ادعاهای مختلفی همچون: ابهام حقایق قرآنی، رازگونه بودن، آزمون ناپذیری، یقین پذیری، اسرار گونهای و ...، سعی در اثبات این مسئله برآمدند. در این نوشتار، با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی تلاش بر این است که با تمسک به برخی از آیات مختلف قرآن، به جای ادعای تعارض میان علم و قرآن کریم، توافق و تعامل میان آن دو در بُعد علوم تجربی قطعی تثبیت گردد. ازاین رو، با نقد و بررسی هر یک از دلایل آنها، نتیجه گرفته شد که تنها بین فهم انسان از حقایق هستی و فهم قرآنی، ممکن است، تعارض ظاهری و سطحی رخ بدهد که این مسئله، به معنای تعارض واقعی میان علم تجربی قطعی و معانی واقعی و صریح قرآن کریم نخواهد بود.

كليدواژهها: قرآن، تعارض، علم تجربي، قرآن و علم، واقعيت و توهم.

<sup>\*.</sup> تاریخ دریافت: ۱۲۰۰/۰۱/۱۸ و تاریخ پذیرش: ۱۲۰۰/۰۶۸.

ا. استاديار جامعه المصطفى العالميه (نويسنده مسئول) karimpoorali@yahoo.com ا

۲ - دانش آموخته دكتري رشته قرآن و مستشرقان، جامعة المصطفى العالميه، قم؛ Dr.riahi@chmail.ir.



دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱٤۰۰، ص: ۳۳-۳ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر

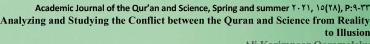
#### مقدمه

مخالفان دین در مغرب زمین از مقوله ترقی و پیشرفت صنعت، وجود تعارض میان علم تجربی و انجیل را نتیجه گرفتند. برخی از مستشرقان در زمانهای معاصر، تلاش کردند، همین نظریه را درباره رابطه علم و قرآن کریم نیز به کار گیرند تا با ادعای مقابل بودن آیات قرآن با علوم تجربی، مراجعه بیشتر مسلمانان به آموزههای دینی و قرآنی را مسدود کنند. امثال آنجلیکا نویورث، پائول کونیتچ، ماهر جرار و احمد دلال، ازجمله این افراد به شمار می آیند. ولی روشن است، کتاب بشری مسیحیان با کتاب آسمانی مسلمانان، تفاوت جوهری دارد؛ چراکه تعالیم کتاب مسلمانان برخلاف انجیل مسیحیت و تورات یهود، نه تنها با علم منافی نیست؛ بلکه حامی و مدافع علم تجربی و رفاه سالم هم بوده، حتی در برخی مواقع، به پدیدههای علمی مانند زندگی موجودات زنده در کرات دیگر هم اشاره می نماید (شوری/۲۹؛ اسراء/٤٤).

#### بيان مسئله

بحث رابطه علم و دین و به تبع آن، تبیین ارتباط آیات علمی قرآن کریم با علوم تجربی از حیث تعارض یا توافق، یکی از مباحث مهم امروزه در میان مطالعات قرآنی به شمار میآید؛ چراکه فیلسوفان دین، مفسران و متکلمان، در ارتباط میان دین و علم، به ابعاد مختلف مسئله از حیث گزاره، پیشفرض و روحیه ها اشاره کرده اند؛ ولی با وجود پرداختن به تعارض یا عدم تعارض میان علوم و قرآن از حیث گزاره های مورد نزاع، هنوز ابعادی مانند: پیشفرض ها و روحیه های حاکم بر موافقان و مخالفان پرداخته نشده است.

درحالی که ادعای تعارض میان علم و قرآن با پوشش دین و رابطه آن با علم، یکی از نظریههایی است که در میان برخی از عالمان متعصب تجربی از یکسو و عالمان متحجر دینی از سوی دیگر مطرح شده است (رضایی اصفهانی، رابطه علم و دین، ۱۳۷۵: ۳۱). در این میان، ارجاع این مسئله به قرآن کریم و دریافت پاسخ قرآنی از سوی مفاد خود آیات، به نوبه خود اهمیت بسزایی پیدا می کند. به همین سبب، در نوشتار کنونی، سعی بر این است که پیش فرضها و روحیات حاکم بر قائلان به تعارض را احصا کرده و آنها را از منظر قرآنی موردبررسی و نقد قرار بدهیم.



Ali Karimpoor Qaramaleky Baqir Riahi Mehr

#### ييشينه

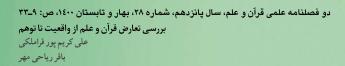
پیشینه بحث محققان درباره تعارض را می توان در ذیل تعارض علم و دین به عنوان پیشینه عام و در ذیل تعارض علم و دین به عنوان پیشینه عام و در ذیل تعارض علم و دین یا تعارض علم و دیل تعارض علم و علم دنبال کرد. آثار متعددی در رابطه با تعارض علم و دین»، رضایی اصفهانی؛ عقلانیت توسط محققان به نگارش درآمده است. آثاری، مانند: «رابطه علم و دین»، رضایی اصفهانی؛ «انتظارات بشر از دین»، عبدالحسین خسروپناه؛ «علم، عقلانیت و دین»، امیرعباس علی زمانی و «رویکرد استاد مطهری به علم و دین»، عبدالحسین خسروپناه، از جمله آنها به شمار می آید.

در خصوص بحث تعارض و عدم تعارض علم و قرآن، کموبیش در آثار محققان قرآن پرژوه، مانند: «قرآن و علوم طبیعی»، مهدی گلشنی و مقالههایی همچون: «نقد نظریه برخی مستشرقان در جدا انگاری قرآن و علم» از اسکندرلو و فراهی بخشایش؛ «نقد و بررسی مقاله قرآن و علم دایره المعارف لایدن»، رضایی اصفهانی؛ «پیشفرضهای مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم»، رضایی اصفهانی و فراهی بخشایش؛ «نقد دیدگاههای مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علوم طبیعی»، مسترحمی و فراهی بخشایش اشاره شده است؛ اما نکته ممتاز و متمایز نوشته کنونی با آثار دیگران، در طرح مسئله با نگرش و قرائت جدید است که سعی می کند به توهمات مدعیان تعارض، یاسخ بدهد.

## 1.مفهومشناسي

(علم) در لغت، به معنای خلاف جهل و یقین و حضور و احاطه بر شئ است که هرگاه با تمییز و ادراک خصوصیات همراه گردید، به آن معرفت اطلاق می شود (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ادراک خصوصیات همراه گردید، به آن معرفت اطلاق می شود (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱٤۱۲ هر ۲۰۲۸) علم، در معانی مختلفی به کاربرده شده است. دانش مطابق با واقع و دانش تجربی «science»، از جمله آن ها به شمار می آید. مقصود از علم در بحث کنونی، همان اصطلاح علم تجربی و قضایای حاصل شده از تجربیات حسی است (مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۱۳۷۲: ۲۲؛ کریم پور قراملکی، تحلیل رابطه علم و دین از منظر قرآن کریم، ۱۳۹۷: ۵۱؛ همو، صیانت قرآن (پاسخ برخی از شبهات مستشرقان)، ۱۳۹۷: ۸۷).

کلمه «تعارض» بر وزن تفاعل نیز در لغت به معنای آشکار شدن و متعرض یکدیگر شدن و مخالف هم بودن است (فیومی، المصباح المنیر، ۱٤۱٤: ۲/ ۲ ،۲ )؛ در اصطلاح علم منطق، به معنای اختلاف دو حکم یا دو قضیه در صدق و کذب است (مظفر، منطق مظفر، ۱٤۰۳: ۲/ ۸۲). مراد از تعارض در بحث کنونی، تضاد و تنافی بین دو چیز است، مانند اینکه یکی به دنبال رازگونه است و بدان





حکم میکند، ولی دیگری پیگیر شفافیت و صراحت است.

# 2. ادله قائلان تعارض علم و قرآن و نقد آنها

کسانی که مدعی هستند میان علم و آموزه های قرآنی، تضاد وجود دارد، به دلیل هایی تمسک کرده اند، از جمله آن ها، گروه عالمان تجربی متعصب و مخالف با دین و دیگری، دسته متحجران و مقدس نمایان است که به ادله ای تمسک کرده اند. در حالی که از منظر مسلمانان، وجود تعارض بین علوم و قرآن ناممکن است؛ چراکه بر اساس نقل ابن مسعود، پیامبر اسلام و فرمودند: «من اراد العلم فلیثور القرآن؛ هر کس علم را می خواهد، در قرآن فکر بکند» (متقی هندی، کنزّل العمال فی الاقوال و فلیثور الافعال، ۹ • ۱۶: ۱/ ۵۸ ه). در این حدیث مبارک، به بحث از علم قرآن و تفکر در معانی و تفسیر و قرانت قرآن توصیه شده است. امام جعفر صادق در حدیث دیگری درباره مفسران نخستین قرآن کریم می فرماید: «فَلَمًا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یخُلُقَ الْخَلُق، نَثَرَهُمْ بَینَ یدَیهِ، فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ رَبُّکمْ؟ فَأَوَّلُ مَنْ نَطَق رَسُولُ کریم می فرماید: «فَلَمًا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یخُلُق الْخَلُق، نَثَرَهُمْ بَینَ یدَیهِ، فَقَالَ لَهُمْ الْعِلْمَ وَ الدِّینَ، ثُمَّ قَالَ لِلْمَلاَئِکةِ: هـؤُلاءِ حَمَلَهُ مُ الْعِلْمَ وَ الدِّینَ، ثُمَّ قَالَ لِلْمَلاَئِکةِ: هـؤُلاءِ حَمَلَهُ مِینِینَ یو وَعِلْمِی» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۸: ۱/ ۳۲ م) ازاینجا، معلوم می شود که ادعای تعارض توسط استعمارگران، برای تسلط بر کشورهای اسلامی و عقبماندگی آن ها سیاستی نانوشته است.

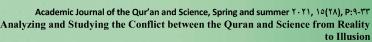
درهرصورت، برخی از دعاوی قائلان به تعارض، به شرح ذیل است:

# الف. عمل رازگونه در قرآن

مقوله دین از آن جمله، قرآن کریم سعی دارد رازگونه عمل کند و دلیل ملموس هم برای اثبات آرائش اقامه نمی کند، حال آنکه علم، دلایل محسوس برای آرائش بیان می کند. به عنوان مثال، عقیده خداباوری، متکی بر هیچ دلیل محسوسی نیست؛ در حالی که داده های تجربی، این گونه نیستند (گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، ۱۳۸۰: ۵۵)؛ همین طور، تثلیث و تجسد، راز الهی است که شناخت آن توسط عقل و ذهن انسان ناممکن است (همان: ۲۵).

# بررسي و نقد

- ۱. رازگونه بودن ازنظر عقل و براهین عقلی، یک امر قبیح و مذموم شمرده نمی شود تا قرآن کریم به دلیل داشتن راز، محکوم به بطلان باشد.
- ۲. همه آموزه های قرآن، متکی بر راز نیست. بخش عقاید و اخلاقیات در قرآن، قابل شناخت با عقل و براهین عقلی هستند. بیشتر شریعت هم با حواس انسانی قابل درک هستند. تنها برخی از احکام







عبادی است که شناخت حکمت آنها برای انسان مجهول است. اتفاقاً، قرآن کریم با توجه بر هادی بودن خود، همیشه به دنبال بیان حقایق برای مخاطبان خود است که بطلان شرک و حقانیت توحید، برابری کشتن یک انسان با قتل همه انسانها، بیان ناپایداری دنیای مادی و بادی ابدیت دنیای اخروی با آیههای متعدد و ...، ازجمله آنها به شمار می آید. ازاینرو می بینیم که خداوند در آیه ۲۶۲ سوره بقره: «کنلِک یبین الله ُوَکم آیتیهِ لَعَلَّحم تَعْقِلُون بیان آیات را جهت تعقل آنها توسط انسان معرفی می نماید. همین طور در آیه ۲۶ سوره عنکبوت: ﴿وَ تِلْک الْأَمْنالُ نَضْرِبُها لِلنَّسِ وَ ما یعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُون علم را مقدمه تعقل ذکر می کند. ازاینرو معلومات قرآنی بر اساس علم و تعقل بناء شده اند که انسان با علم، عقلش را به کار گیرد تا عقل غریزی با عقل مکتسب کامل شود (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳٦٤: ۲/ عنانچه، مقابل علم و تعقل بر اساس آیه ۳۹ سوره مریم: ﴿وَ أَنْذِرُهُمْ یَوْمَ الْحُسْرَةِ إِذْ قُضِی الْأَمْرُ وَ هُمْ لا یؤمِنُون ﴾، فقط غفلت در دنیاست که در عین تحذیر انسان توسط خداوند، سعادت همیشگی را از انسان سلب می کند (ابن شهرآشوب مازندرانی، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۲۹: ۲۱/ همیشگی را از انسان سلب می کند (ابن شهرآشوب مازندرانی، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۹: ۲۱/ ۱۹۶).

۳. دلیل، همیشه در حسیّات منحصر نیست تا با نبود دلیل حسّی در آموزههای قرآنی، مفاهیم قرآنی، مفاهیم قرآن محکوم به بطلان باشد. همان طور که در علوم ریاضی و فلسفه و منطق به جای دلایل حسی، از ادله عقلی استفاده می کنند. در قرآن کریم نیز، در برخی از اوقات از براهین عقلی و قوه تفکر به ره می گیرند. ازاین رو، این طور نیست که آموزه های قرآنی بدون دلیل هستند. اتفاقاً، خود عالمان دینی بیان داشته اند که اصول قرآن، بر سعی فکری و ادله عقلی مبتنی است. خداوند در آیه ۱۰ از سوره ابراهیم: ﴿قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِی اللّهِ شَک فاطِرِ السّماواتِ وَ الْأَرْض ... ﴾ اشاره دارد، بر اینکه وجود خداوند و وحدانیت او، همراه با ادله متقنی است، ازاین رو همزه استفهام هم بر ظرف داخل شده است، نه بر شکّ (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۱۶۸: ۳/ ۹۶)؛ هر چند ممکن است، مواردی از ابعاد قرآن، همانند حروف مقطعه رازآلود به نظر بیاید، ولی رمزی بودن آنها، به دلیل عجز انسانهای عادی است.

3. وجود رمز، یکی از شیوههای هدایت و تربیت انسانی است. از باب مثال، در تعلیم حضرت موسی توسط حضرت خضر که در سوره کهف، به آن اشاره شده است، از این شیوه استفاده شده است. حضرت خضر هم که از بی صبری موسی سخن می گفت، منظورش این نبود که ظرفیت موسی برای علم آموزی کم بود؛ بلکه یا از کم تحمّلی او، در طریق علم آموزی (آموزش علم به وسیله حقیقت یوشی) خبر می داد که همراهی موسی را با خضر با مشکل مواجه می ساخت (طباطبایی، المیزان فی



دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۶۰۰، ص: ۳۳-۳ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر

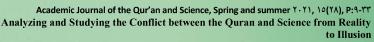
تفسیر القرآن، ۱٤۱۷: ٣٤٢/١٣)، یا از كم طاقتی او در صبر بر علمی كه حضرت خضر دارای آن بود، گزارش می داد (قرطبی، الجامع لاحكام القرآن، ١٣٦٤: ١٧/١١).

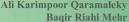
0. وجود موارد رمزی در قرآن به صورت نادر، بر اساس مصالحی است که اقتضا می کند، لذا در آن موارد هم، لازم است به متخصصان فن؛ یعنی اهل بیت هم مراجعه کرد. به همین دلیل است که پیامبر پی پیش از رحلتش، انسانها را به دو چیز گران بهای ارزشمند؛ یعنی قرآن و اهل بیت بی توصیه نمودند؛ زیرا اهل بیت هم هستند که با برتری منحصر به فردشان (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، نمودند؛ زیرا اهل بیت که با برتری منحصر به فردشان (جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۸۳: ۱۳۸۲) لایق اند توانایی گره گشایی از برخی از آیات قرآن (آیات متشابه) را به طور کامل عهده دار شوند (همان: ۲۷۳۱) در حدیث، وارد شده است که: ﴿ولولا محمد و الله و الله و مین و الفرائض؛ و هل تُدخل قریةً إلاّ مِن بابها ﴿ (عروسی حویزی، تفسیر خورالثقلین، ۱۶۱۵: ۱۸۰۱ه).

7. راز نداشتن، همیشه نقطه امتیاز و نشانه حقانیت و برتری نیست. ممکن است موردی باشد که راز در آنجا، اهمیت وافر داشته باشد. نمونه بارز آن، مکتوم ماندن کفر درونی ابلیس توسط خداوند و کشف آن بر فرشتگان از هنگام خلقت حضرت آدم است که در هفت سوره مختلف از قرآن آمده است ربلاغی، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، ۱۳۸۱: ۳۲/۱؛ نمونه دیگر، عشق و محبت میان عاشق و معشوق، مانند آمادگی حضرت ابراهیم برای ذبح فرزندش در آیه ۱۰۲ سوره صافات است که بر پایه عشق بناء گردیده است. آموزه ها و مفاهیم قرآن نیز که فراتر از عقل بر عشق بناء گردیده و محبت در آن از اصول به شمار میآید، بعید نیست که بر پایهای از راز و عدم شفافیت با عقل و تعقل تأسیس شده باشد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱۶۱: ۱۸۲/۱۰). نمونه سوم، موضوع «قَدَر» در آیه ۲ سوره فرقان است که در حدیثی از حضرت علی آمده است: «قَدَر، راز خداوندی است، خود را به تکلّف دچار نکنید و دریایی است عمیق، وارد آن نشوید» (صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ۱۳۸۳: دیوانگی است (عضیمه، معناشناسی واژگان قرآن، ترس از وقوع فتنه و آشوب و اتهام کفر و دیوانگی است (عضیمه، معناشناسی واژگان قرآن، ترس از وقوع فتنه و آشوب و اتهام کفر و دیوانگی است (عضیمه، معناشناسی واژگان قرآن، ترس از وقوع فتنه و آشوب و اتهام کفر و دیوانگی است (عضیمه، معناشناسی واژگان قرآن، ۱۳۸۰).

# ب. آزمون ناپذیری و ابطالناپذیری در قرآن

بر اساس ادعای برخی از مستشرقان، قرآن کریم و مفاهیم آن، هیچوقت خود را در معرض آزمون قرار نمی دهد، درحالی که علم، خود را برای آزمون مجدد آماده نگه می دارد. به عنوان نمونه، آدمهای دین دار وقتی خیری در زندگی خود نمی بینند و با انواع بلاها مواجه هستند، اعتقاد به خدا را از دست





جامعة المصطفى العالمية Al-Mustafa International University مجتمع آموزش عالى قرآن و حديث

نمی دهند. این مسئله به معنای نقض ناپذیری است که در دایره قرآن و دین مشاهده می شود؛ حال آنکه در حوزه تجربی با مشاهده چنین نقضی، فرد از نظریهای که در قبل قائل بود، به آسانی عقب نشینی می کند (باربور، علم و دین، ۱۳۷۹: ۲۷۸). به عبارت دیگر، همیشه، درِ علوم تجربی برای ابطال و نقض آرا باز است، درحالی که مفاهیم و آموزه های قرآنی و خود قرآن، آماده نیست تا حقیقت ابطال را برای خودش بپذیرد. به همین سبب است که علم و قرآن نمی توانند با هم آشتی کنند (گینتون، خدا و علم، ۱۳۷۷؛ ۹؛ جان اف، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ۱۳۸۵؛ ۹ه). به عبارت سوم، آزمون ناپذیری و ابطال ناپذیری مفاهیم قرآنی به دلیل اتکا آن ها بر مقوله یقین و ایمانی است که انسان مؤمن، نسبت به آن ها دارد. ازاین رو مستشرقان، این ادعا را افزوده اند که مفاهیم قرآنی، بر پیش فرض های پیشینی یا همان ایمان مبتنی است؛ درحالی که علم، چیزی را مسلّم نمی گیرد؛ چراکه انسان دین دار بیشتر از آنچه بر علم، ارزش قائل شود، بر باور و تسلیم خود پایبند است (جان اف، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ۱۳۸۵؛ ۲۱۵)

#### بررسی و نقد

۱. علم تجربی، چگونه ادعای آزمون پذیری می کند، در حالی که خودش فاقد این عنصر است؟ به دلیل این که نمی توان خود علم تجربی را مشاهده حسی نمود. آنچه مشاهده می شود، موارد علم تجربی است، نه خود علم تجربی. علم تجربی به عنوان یک ایده و نظر، مبتنی بر این است که تنها راه وصول حقیقت، درک حسی و مشاهده محسوس است. در حالی که خود نئو پوزیتویستها، به این نتیجه رسیده اند که از دخالت افکار انسان در فرضیه ها و تحلیل قضایا، نمی توان رهایی یافت؛ پس خود علم تجربی هم بر حسّ محض مبتنی نیست.

7. زمان آینده و امور آن، هنوز نیامده است تا تجربه شود و این زمان گذشته است که تجربه شده است. با همین نگرش، آموزهها و مفاهیم قرآنی نیز همانند آموزههای علمی تجربه پذیر است. از باب مثال، مجازات مجرم توسط خداوند، یکی از سنتهای الهی و آموزههای دینی محسوب می شود که در گذشته به خوبی، تجربه شده است. صفحات تاریخ هم که مال دیروز نیست، بلکه برای امروز است؛ یعنی اگر به تاریخ مراجعه گردد، به خوبی معلوم می شود که در گذشته بر انسانهای فاسق و مکذب، چه سرنوشتی آمده است. تاریخ، به خوبی در خودش سرنوشت هلاکت آمیز و بدبختی قوم فرعون و نمرود و ... را ثبت و ضبط نموده است. به عنوان نمونه، خداوند در آیه: ﴿أَ لَمْ یرَوًا کُمْ اَهْلَکنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنِ مَکنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ ما لَمْ نُمَکنْ لَکمْ و أَرْسَلْنَا السَّماءَ عَلَیهِمْ مِدْراراً وَ جَعَلْنَا الْأَنْهارَ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلکناهُمْ

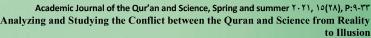


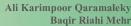
دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۶۰۰، ص: ۳۳۹ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور فراملکی باقر ریاحی مهر

بِذُنُوبِهِمْ وَ أَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْناً آخَرِينَ ﴾ (انعام/۲)؛ متذكر اين مطلب مى شود كه امتهاى گذشته زيادى را به خاطر ارتكاب گناه از بين برديم (طوسى، التبيان فى تفسير القرآن، بى تا: ٨١/٤)؛ البته اينكه امت اسلامى را بابت گناهان، هلاک نمى كنيم، بر اساس مفاد: ﴿وَ إِذَا أَرَدْنَا أَن نَهْلِكَ قَرْيةً أَمَرْنَا مُترَفِيهَا فَفَسَقُواْ فِيهَا فَحَقَّ عَلَيهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴾ (اسراء/١٧)؛ به دليل اين است كه مشيئت ما بر فوريت عذاب تعلق نگرفته است؛ بلكه بر اساس امهال و استدراج مبتنى شده به اين معنا كه گناهكاران توسط نعمتهاى خداوند، به شكل تدريجى مهلت داده مى شوند (طباطبايى، الميزان فى تفسير القرآن،

همان طور که آزمون پذیری علم، معطوف به گذشته هاست؛ یعنی هم چنانکه علم مدعی است که در موارد تجربه شده در گذشته، نتایج یکسان به دست آمده است. در آموزه های قرآنی و دینی نیز همین گونه است؛ یعنی در زمانهای گذشته هم، بر اساس سنت لایتغیر الهی، افراد مکذّب و فاست توسط خداوند مجازات شده اند. سر این مطلب در این است که آموزه های قرآنی مانند قاعده سنت الهی و اقسام مختلف آن، همانند قانون اصل علیّت است که فراتر از زمان و مکان و تبدیل ناپذیر (مثل لزوم سنخیت در علیّت) و تحویل ناپذیر (عدم امکان جابجایی) هستند (قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ۱۳۸۸: ۱۶۵۰).

۳. در بعضی مواقع هم که انسان، نتیجه آزمون را مشاهده حسی نمی کند، دلیل بر این نیست که آن وجود ندارد؛ بلکه به خاطر این است که نتیجه آزمون، در آن سطحی که وجود دارد، سطح عالی و فراتر از سطح حسّی است و انسان عادی با توجه به نداشتن چشم بصیرت از درک آن سطح برتر در وقتی که دنیاست، عاجز است. ازاین رو، انسان بر اساس آیه: ﴿لَقَدْ کُنْتَ فِی غَفْلَةٍ مِنْ هذا فَکشَفْنا عَنْک فِطاءَک﴾ (ق/۲۲)؛ وقتی به دنیای آخرت قدم گذاشت، درک او حدید و نافذ می گردد؛ یعنی موانع از دیدن حقیقت برطرف می شود؛ چراکه خطاب آیه شریفه برای هر نفس است و نفس هم، یا از آخرت اشتغال و اعراضی داشته است و یا اینکه اساساً کافر بوده است؛ بنابراین، انسان در هنگام حضور در عالم آخرت، درک نافذی را به دست می آورد (قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ۱۳۸۸: ۱۳۸۸). بالاتر از این، طبق آیات سوره تکاثر و بر اساس یکی از تفاسیر محتمل، انسان با معرفت حضوری و شهودی می تواند وجود بهشت و جهنم را در همین دنیا نیز درک و فهم کند، هرچند عواملی مانند جهل شهودی می تواند وجود بهشت و جهنم را در همین دنیا نیز درک و فهم کند، هرچند عواملی مانند جهل و غفلت، مانع از این کار می شوند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲۱۷).







- 3. ابطال پذیری در علم تجربی، همان طور که به معنای خودسوزی آن علم نیست. مفهوم ابطال پذیری در قرآن هم مساوی با نابودی خود قرآن نیست؛ چراکه قرآن کریم از سیستم منسجم، متحد و یکپارچهای برخوردار است که با داشتن عناصری خاص در داخل خود، مانند برخورداری از آیات محکم و متشابه، آیات غُرَر و غیر غرر، امکان ارجاع مطلقات به مقیدات و عمومات به خاصات و مجملات به مبینات، نصوص و ظواهر که قابلیت تأویل پذیری را دارند، می تواند خودش را در متن عالم هستی تا روز قیامت بالنده و پویا نگه بدارد.
- ٥. یقین قبلی در علم تجربی نیز به وضوح خودش را نشان می دهد؛ چراکه در علم تجربی نیز، همین اعتقاد وجود دارد که تنها راه درک حقیقت، مشاهده حسی است و این به معنای وجود یقینی است که مدافعان علم تجربی از آن خودشان را کنار می کشند، در حالی که خودشان گرفتار آن هستند.
- 7. معنای وجود ایمان در مفاهیم و آموزههای قرآنی، به معنای نبودن علم در آن نیست؛ چراکه تز و اندیشه خلق ایمان از هر علم و معرفت و انحصار قرآن و دین در باور و عاطفه صرف، نمادی از اندیشه سکولار است که موردقبول عامه مفسران و متکلمان اسلامی نیست. در اندیشه اسلامی، همواره علم و ایمان در کنار هم و همساز با یکدیگر در کنار عمل قرار می گیرند و تضاد و تقابلی میان معرفت و ایمان دیده نمی شود. به عنوان نمونه، علامه طباطبایی معتقد است: «ایمان دارای جوهری معرفتی است و ملازم با علم است» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱٤۱۷: ۹/۰؛ همان/۱۱/۱۲۵۰) به همین دلیل است که حضرت ابراهیم طبق آیه ۵۲ سوره انبیاء: ﴿ قالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِی فَطَرَهُنَّ وَمُشَا مَلْ دَلُولُ الله عَلَى مَلْ دَلُولُ الله عَلَى مَلْ مَلْ دَلُولُ الله عَلَى مَلْ دَلُولُ الله وجود خداوند را برای قومش متذکر گردد، از شهادت حسّی و شهود خود هم سخن می گوید تا خود را از هرگونه لعب و هزلی دور کند (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۱۱۶۱: ۹/۵؛ ۱۲۵ (۱۷۰۹).
- ۷. هرچند ممکن است علم موجود در ایمان، همیشه از گونه علم تجربی نباشد؛ زیرا ازنظر مفسران و متکلمان مسلمان، شناختی که متعلق ایمان است، اعم از شناخت حصولی و حضوری است؛ یعنی این ایمان، همچنان که ممکن است به واسطه علم حصولی حاصل شود، همین طور ممکن است که از طریق شناخت شهودی و کشفی هم به دست بیاید. ازاین رو، بر اساس عقیده مفسران اسلامی، شناختی که متعلق ایمان واقع می شود، منحصر به شناخت حصولی نبوده و شامل شناخت شهودی و حضوری نیز می گردد، بنابراین ایمان اعم از اینکه ایمانی صحیح و ثابت و یا ایمانی باطل و



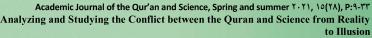
دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۶۰۰، ص: ۳۳۹ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر

متزلزل باشد، متعلق آن یا شناخت شهودی و یا شناخت حصولی است» (جوادی آملی، شناخت شناسی در قرآن، ۳۲٤/۱۳۷۰).

# ج. اسرار و رخنه پذیری در آموزههای قرآنی

بعضی از مدافعان تعارض و تباین علم و قرآن، ادعا کردهاند، علم برعکس دین، کمکم دنیا را «خالی از اسرار» کرده تا آنجا که در باطن دنیا، تنها ماده بی شعور یافته است و این نکته، غیرازآن چیزی است که قرآن و دین، به دنبال آن هستند. ازاینرو، علم و قرآن نمی توانند در یکجا جمع شوند (ر.ک: گلشنی، هل یستغنی العلم عن الدین، ۱۲۲۶: ۶۵؛ جان اف، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ۱۳۸۵؛

- ۱. ازنظر علم، راز حیات، در مولکولها و اتمهای بی جان قرار دارد، نه در خدای شخصی که ذوالعنایه و مدبر است. همان طور که اینشتین و وینبرگ هم، به رازی کلی و مقدس معتقد بودند، نه به خدای متشخص. در حالی که قرآن، دنیا را پر از اسرار و حاجت می داند و در آن اسرار هم، پای خداوند را به میدان می کشاند.
- 7. ازنظر تکامل داروینی، سه جزء جدایی ناپذیر: اتفاقی بودن تغییرات (جهشهای ژنی)، تنازع بقا و انتخاب طبیعی بی هدف، همگی حاکی از بی ارتباطی جهان خلقت به خدای شخصی ذوالعنایه است. به عبارت دیگر، از منظر داکینز، نیروهای بی هدف فیزیک است که به نحو بسیار خاص به کار گرفته شده اند و نیازی به طرّاح متشخص هم نیست.
- ۳. برخلاف نظریه انفجار بزرگ و لزوم مبدأ آغازین برای جهان که مستلزم فرض خداست؛ علم طبق نظریه کوانتوم، بر این است که امکان دارد، جهان از عدم به وجود آمده باشد و جهان ممکن است آغازی (ذرهای دون اتم) داشته باشد که بدون علت و خودبه خود به وجود آمده باشد، حتی بر اساس نظر فیزیکدان شهیر «استفن هاوکینگ» با توجه به ظهور تدریجی زمان از فضا، اولین لحظه ناگهانی هم وجود ندارد.
- 3. ارتباط انسانهای باشعور و خودآگاه با طبیعت بر اساس اصل «انتروپیک» (انسان مداری) به این شکل است که جهان از همان آغازین خود، چنان به وجود آمد که اجازه ظهور نهایی افراد واجد شعور، مانند انسان را بدهد و جهان را دقیقاً برای زندگی او فراهم کند.



Ali Karimpoor Qaramaleky Baqir Riahi Mehr



- ٥. ماده، ذاتاً به خود سازمان می دهد؛ بنابراین آشوب و پیچیدگی در جهان، خودبه خود منجر به نظم می شود؛ چراکه طبیعت کورکورانه، سیستمهایی را می پذیرد که از بیشترین تطبیق پذیری برخوردارند، ازاین رو پدیده پیچیدگی سامان مند، به توضیحی ورای خود نیاز ندارد.
- 7. جهان، خالی از هدف است؛ چراکه علم هیچگونه مکانیسم غایت گرایانه حتی در ارگانیسم های زنده نیافته است. ازاینرو به خداوند هم نوبت نمی رسد، بلکه هدف به خود طبیعت برمی گردد.
- ۷. بی همتا بودن حیات زمینی، آن را چنان در نظر ما ممتاز می سازد که ما را غنی نموده و دیگر نیاز به خدایی نداریم تا اخلاق زیست محیطی خود را بر آن مبتنی کنیم. افزون بر این، معطوف نمودن اذهان انسان ها به سوی جهان فوق طبیعی توسط قرآن، انگیزه انسان را برای آبادانی دنیا کمتر هم می کند (ر. ک: صفایی پور، اصل آنتروپیک (انسان مداری) و جنبه های فلسفی معاصر آن، ۱۳۹۲).

#### بررسي و نقد

مواردی که به عنوان «رخنه» نام برده شد و ادعا گردید که علم تجربی برخلاف آموزه های قرآن، دیگر به آن ها آگاه شده و نیازی به دخالت دادن خداوند در موارد مذکور نیست، به نظر می رسند با ملاحظه آیات قرآن کریم، ادعای درستی نباشند که بخشی از ادله آن، به شرح ذیل است:

۱. قائلان به تأیید، تلاقی و امکان همکاری میان علم و قرآن (دین)، از تعارضهای فوق پاسخ داده اند. به عنوان نمونه، در تحلیل حیات به عناصر شیمیایی، بیان داشته اند که هرچند ما می توانیم ادعا کنیم که حیات را با جهشهای شیمیایی به نام «DNA» قابل توجیه است، ولی نمی توان از ایس سؤال، پاسخ داد که چگونه ماده ناآگاه، به وجود آگاه به نام روح تبدیل گردید؟ یا به چه دلیلی، عناصر در عنصرهای متفاوتی که سببساز موجودات مختلفی مانند انسان و قورباغه و موش می شوند، ظاهر گردیده اند؟ وجود روح در انسان غیر از پیکره ظاهری او، همان حقیقتی است که خداوند در آیات مختلفی از آن، با عناوینی مختلفی تعبیر آورده است. به عنوان نمونه، در قرآن آمده است: ﴿ ثُمُّ خَلَقْنَا الْمُضْغَةَ فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظاماً فَکسَوْنَا الْعِظامَ لَخُماً ثُمَّ أَنْشَأْناهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبارَک اللّهُ أَخْسَنُ الْمُالِقِينَ ﴾ (مؤمنون/۱۶)؛ از خلق دیگر انسان، افزون بر خلقت جسمانی اش، سخن می گوید که به نظر مفسران، مقصود از این «خلق آخر»، همان نفخ روح است (ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان به نظر مفسران، مقصود از این «خلق آخر»، همان نفخ روح است (ثعلبی نیشابوری، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ۱٤۲۲ نهرای).



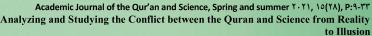
دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱٤۰۰، ص: ۳-۳۳ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر

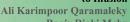
7. خلأها و رخنههای ادعایی، همه ابعاد قصه نیستند تا با روشن شدن حقایقی مانند واقعیت مبدأ انسان، خداوند کنار برود؛ چراکه از منظر قرآن، همه بازی های عالم هستی، خواه به صورت تدریجی یا فوری همه در دست خداوند است. اگر عنایت خداوند در لحظهای قطع گردد، در همان لحظه هم دنیا به نابودی کشیده می شود. یکی از صفات خداوند در آیات مختلف قرآن کریم، صفاتی همچون: «القیّوم» (بقره/۲۰۵)؛ «الصمد» (اخلاص/۲)؛ «یدبر الامر» (یونس/۳)؛ «فاعلین» همچون: «القیّوم» (بسم که السموات و الارض» (فاطر/۲۱)؛ «وسع کرسیه السموات و الارض» (بقره/۲۰۵)؛ وست کرسیه السموات و الارض» (بقره/۲۰۵)؛ و ... شهادت می دهند که خداوند، تنها خالق نیست؛ بلکه او در لحظه لحظه بقاء عالم هستی حضور دارد. ظاهر آیه: «یشنّلهٔ مَنْ فی السّماواتِ وَ الْأَرْضِ كلّ یوْم هُوَ فی شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹) بعد از اشاره به وابستگی مطلق موجودات آسمانی و زمینی، خداوند را در کار عالم حاضر معرفی می نماید. پیامبر اکرم شی بر اساس نقل ابوذر فرمودند: «فَإِنَّ مِنْ شَأْنِهِ أَنْ یَغْفِرَ ذَنْباً، وَ یُفَرِّ مَ کَزباً، وَ یَوْفَعَ قَوْماً وَ یَضَعَ الله می را او می امالی، ۱۹۲۵: ۲۲۵؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۲۹: آگرین آسان برمی دارد و قومی را از میان برمی دارد و قومی را از میان برمی دارد و قومی را از میان برمی دارد و قومی را از می بد و گروهی دیگر را مضمحل می نماید.»

۳. ادعای پر شدن خلأها و از بین رفتن آنها به واسطه علم، مرتبط به اجزاء عالم است نه خود عالم هستی. درحالی که ادعای قرآن این است که مجموعه عالم به عنوان کلّ، افزون بر اجزای عالم هستی، نیازمند ذات باری تعالی است. مگر امکان پذیر است که ممکن الوجودی مانند عالم مادی بدون دخالت پدیده بیرونی، همانند خداوند قدم به عرصه وجود بگذارد؟. همان گونه که عنوان «خالق کل شئ» در آیه: ﴿ذلِكمُ اللّهُ رَبُّكمُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ خَالِقُ كلِّ شَیءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُو عَلی كلِّ شَیءٍ وَکیلُ ﴾ (انعام/۱۰۲)؛ ناظر به تکوین در ذات اشیاست، نه به عناوین و صفاتی که اعتباری بوده و به دست انسان پدید می آیند (فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۶۱۹: ۹/۶۲).

# د. ادعای تعارض بین متون قرآن و یافتههای تجربی

نص گریان؛ یعنی مدافعان اصالت نص کتب مقدس، مدعی هستند بین ایمان آنان و بعضی نظریههای جاافتاده علمی در انجیل، مانند آسمانهای هفتگانه تعارض وجود دارد (باربور، علم و دین، ۱۳۷۹: ۱۳۷۷). همان طور که این تباین در ارتباط میان علوم تجربی و آیات قرآن هم قابل مشاهده است؛ ادعای آسمانهای هفتگانه، حرکت خورشید، مراحل رشد جنین و ... از نمونههای تعارض است؛







پوراکه اگر آسمان به معنای کهکشان است. تعداد آسمانها بر اساس علم نجوم، زیادتر از هفت است و پوراکه اگر آسمان به معنای کهکشان است. تعداد آسمانها بر اساس علم نجوم، زیادتر از هفت است و Neuwirth, Cosmology. In ) اگر همه کهکشانها را یک آسمان فرض کنیم، از هفت عدد کمتر است ( Jarrar, Heaven and sky, V. ۲, PP.  $rac{1}{2}$  و  $rac{1}{2}$  و r

#### بررسي و نقد

اول. متون مقدس ازجمله قرآن کریم از سه نوع متن مختلف برخوردار است: نص، ظاهر و مجمل. یک. گونه نصّ، به آن نوع از متون گفته می شود که بر دو معنای محتمل دلالت نمی کند، بلکه بر یک معنای واضح و شفاف دلالت دارد، مانند «ظلّام» نبودن خداوند که در آیه: ﴿ذلِک بِما قَدَّمَتْ أَیدیكمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَیسَ بِظَلاَّمٍ لِلْعَبیدِ﴾ (آلعمران/۱۲۸)؛ بدان اشاره شده است.

دو. گونه ظاهر، به آن نوع از متن اطلاق می شود که بر دو معنای محتمل یا بیشتر دلالت می کند، ولی یکی از آنها، بر دیگری به خاطر قراین متصل و منفصل ترجیح دارد، مانند کلمه «السماوات السبع» در آیه: ﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ ﴾ (مومنون/۸۸)؛ که مفسران درباره آن، به احتمالات مختلفی اشاره کرده اند. تطبیق به مواردی همچون: نظریه ارسطویی و بطلمیوسی (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۲۶۰: ۲۸۱/۳)، کرات منظومه شمسی (نیازمند شیرازی، اعجاز قرآن از نظر علم امروزی، ۱۳۳۵: ۱۲۰-۱۲۷)، مدارهای سیاراتی (ابوحجر، التفسیر العلمی فی المیزان، ۱۲۱۱: ۱۲۸۰)، هفت لایه مجزا از انواع اتمسفر (صادقی تهرانی، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، ۱۳۸۰: ۲۲۷)، مقامات هفتگانه معنوی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۲۱۷ (۱۲۷۳)، کنایه از تعدد آسمانها (طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲۱ ۲۱)، انطباق آسمان اول به آسمان دنیوی و عجز بشر از فهم آسمانهای ششگانه از جمله آنهاست (روحانی مشهدی و معارف، ماهیت شناسی آسمانهای هفتگانه با تکیه بر مؤلفههای خلق و امر در آیات قرآن، ۱۳۹۵).

سه. نوع مجمل هم، به آن متنى گفته مى شود كه در دلالت كردن بر دو معنا يا بيشتر از آن، مساوى است. به عنوان نمونه، قرآن در آيه ٣٨ مائده مى فرمايد: ﴿وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيدِيهُما جَزاءً بِما كسَبا نَكالاً مِنَ اللهِ وَ اللهِ وَ اللهِ وَ اللهِ عَزيزُ حَكيمٌ ﴾، معناى «ايدى» عموم است؛ چراكه خود انگشتان، نوك انگشتان تا مچ، تا آرنج و ... شامل است، ولى بر اساس احادیث منقول، تنها انگشت دست راست سارق در نوبت نخست قطع مى شود (بحرانى، البرهان فى تفسير القرآن، ١٤١٦: ٢٩٦/٢).

ممکن است، موارد اصطکاکی از آموزههای قرآنی با یافتههای تجربی، از گونه ظواهر باشند، نه از



دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱٤۰۰، ص: ۹ـ۳۳ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر

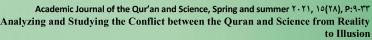
نوع نصوص. همانگونه که بیان شد، معنایابی در قسم ظواهر هم، تابع قراین لفظی و لبّی و عقلی است، لذا امکان دارد، یافته قطعی تجربی، مانع از انعقاد ظهوری خاص در آیهای باشد و درنتیجه، فهم از معنای آیه در اثر آن قراین، تغییر پیدا کند.

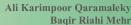
به عنوان نمونه، مرحوم علامه طباطبایی در تعارض ادعایی میان علم و قرآن در آیه: ﴿وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ بِسَاطاً﴾ (نوح/۱۹)؛ که دلالت بر مسطح بودن زمین دارد، «کاف» تشبیهی را مقدر می نماید تا تعارض مذکور برطرف گردد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱٤۱۷: ۳۳/۲۰)؛ بنابراین یافته های جدید در علم تجربی، به معنای این نیست که حتماً مقابل ظواهر قرآن قرار گیرند. این تحمل و ظرفیت، یکی از انواع اعجازهای قرآن به شمار می آید؛ چراکه قرآن بر اساس احادیث نقل شده، دارای وجوه متعددی است. به عنوان مثال، در یکی از این احادیث که مأثور از رسول الله است، می خوانیم: ﴿لا یفقهُ العَبدُ کلَّ الفِقهِ حتی یمقُتَ الناسَ فی ذاتِ الله و حتی لا یکونَ أحَدً أمقتَ مِن نفسِهِ﴾ (مازندرانی، شرح الکافی، ۱۳۸۸: ۳۳/۲)؛ در حدیثی دیگر، از حضرت علی آمده است: «لاتُخاصِمْهُمْ بِالْقُرْآنِ، فَانِ الكافی، ۱۳۸۲: ۳۳/۲)؛

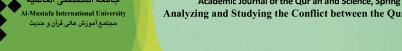
دوم. اگر ادعای اصالت، به معنای این است که متون قرآن، فقط از سوی خداوند نازل شده است، نه از سوی شخص دیگر مانند خود پیامبر شد. در آن صورت، معنای اصالت با مفهوم نص یکسان نخواهد بود تا نتوان تصادم ادعایی میان گزاره قرآنی و علمی را برطرف کرد، بلکه با مفهوم ظاهر هم نیز قابل تطبیق خواهد بود که درنتیجه، می توان بر اساس ادله متقن در علوم تجربی، معنای آیهای را با نوع قطعیات از یافته های طبیعی همسو و موافق دانست.

# هـ. ناهمخوانی در ارائه نقشه راه زندگی و اهداف آن

علم تجربی و صنعتی، با انگاره ماشینی از انسان، او را همانند ماشین به دنبال تحرک بخشی و تقلازایی افزون تر برای سودجویی بیشتر از او و طبیعت است، ولی قرآن کریم و آموزه های آن با نفی تفسیر ماشینی از او، پیگیر سعادت حقیقی در دنیا و آخرت است. درنتیجه، مقوله علم طبیعی و مقوله قرآن، دو مقولهای هستند که در عین حرکت به موازات هم در حیات انسان، نمی توانند با هم در نقطه ای مشترک به هم برسند (جان اف، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ۱۳۸۵: ۲۹۹).





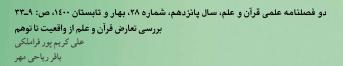


## بررسي و نقد

رویکرد ماشین وار به انسان، از خصوصیات ذاتی علم تجربی نیست؛ بلکه این موضوع، از اهداف نسنجیدهِ سیّاسان دنیا و نوع نگرش آنها به عالم هستی برمی خیزد که علم را به جای اینکه به سمت تعمیق باورهای مذهبی مردم سوق دهند، بهسوی تضعیف و تزلزل اعتقادات مردم به کار می گیرند. علم تجربی به خودی خود قبیح و مذموم نیست، بلکه هدف گذاری باطل بر اساس تفسیرهای دنيوي و مادي از عالم هستي توسط آنها مذموم است. آيه: ﴿فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكرنا وَ لَمْ يبردْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيا ذلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ ﴾ (نجم/٣٠)؛ به همين نوع از علم اشاره كرده و مذمت ميكند. علامه طباطبایی در تفسیر این شریفه می نویسد: «تعبیر به اینکه" این است مقدار رسایی علم آنان" تعبیری استعارهای است، گویا علم به سوی معلوم می رود تا به آن برسد و علم مشرکان در مسیر خود به دنیا مى رسد و همان جا از حركت بازمى ماند و ديگر از آنجا به طرف آخرت نمى رود؛ لازمه اين توقف، آن است که تنها دنیا هدف نهایی اراده و طلب آنان باشد و دیگر دل به غیر دنیا نبندند و جز بهسوی آن روی نياورند» (طباطبايي، الميزان في تفسير القرآن، ١٤١٧ ١٤١٠).

از این آیه و سایر آیات، معلوم می شود که علم تجربی از منظر قرآن کریم، بهنوبه خود امر مذموم نیست. مذموم وقتی است که به آن اکتفا شود و انسان، آن را هدف خودش قرار دهد. در آن بماند و آن را از وسیله بودن به سمت آخرت خواهی بیرون بیاورد. چنین علمی ازنظر قرآن قبیح است و مذموم.

در جایی که معرفت و علم حضور داشته باشد، ایمان و باور قلبی در انسان نیز عمق پیدا کرده و از وجود مؤمن جدائي نايذير مي گردد. همان طور كه عالمان ديني بيان داشته اند، جوهره تقوا و عصمت، رتبه بالایی از علم و معرفت نسبت به حقانیت حقایق دینی است که در افرادی مانند پیامبران و امامان و اولياي دين وجود دارد (سبحاني، الالهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، ١٤١١: ١٤٧/٢). همين عامل، باعث مي گردد كه آنها هم در انجام واجبات و ترك محرمات و نيـز در تحمـل مشقّات از دیگران موفق تر و بهتر عمل کنند. قرآن کریم، در آیه ۲۲ سوره روم: ﴿وَ مِنْ ءَایاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَالِكَ لاَياتٍ لِّلْعَلِمِينِ ﴾ و آيـه ٤٣ از سـوره عنكبـوت: ﴿وَ تِلْكُ الْأُمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَ مَا يعْقِلُهَا إِلَّا الْعَلِمُونِ ﴾ درك اسرار تكوين و تشريع را ويـژه دانشـمندان ميدانـد. مقصود از عالمان در این دو آیه شریفه، از حیث شمول بر انس و جنّ و نیز همه افراد، عام است و از جهت اوصاف عالم در تجربی و غیرتجربی بودن نیز مطلق است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ١٣٧٤: ٧/٧١؛ ١٤٤٧/ بمرقندي، تفسير السمرقندي، بي تا: ٩/٣)؛ هرچند برخي از مفسران، آن را مختص





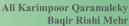
کسانی دانستهاند که خداوند در دلشان، نور علم افشانده است، نه آن افرادی که صورتهای ادراکی از خودشان و از دفاتر در ذهن دارند (گنابادی، بیان السعادة فی مقامات العباده، ۲۱۸/۳)

# و. تنافی در منابع و مصادر قرآن و علم تجربی

به نظر عدهای دیگر از مستشرقان، آیات ناظر به علوم طبیعی در قرآن کریم، همچون آسمانهای هفتگانه و آفرینش عالم هستی در شش روز و غیره با توجه بر اندیشههای عصر نزول است، درحالی که قضایای تجربی، همه متکی بر یافتههای عملی در حیات دانشمندان تجربی است. افرادی همانند: آرگیپ، پائول کونیتج، ماهر جرّار، مک دونالد و کارل بروکلمان ازجمله مدافعان این ادعا به شمار می آیند (ر.ک: رضایی اصفهانی و فراهی بخشایش، پیشفرضهای مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم، ۱۳۹۱ش).

#### بررسي و نقد

ادعای تأثیر یذیری قرآن از فرهنگ زمانه، به خصوص در رابطه با مسائل طبیعی و زیست شناسی، ادعایی نادرست است؛ چراکه درعین حال که قرآن، از سیره گفتاری عرفی در مواردی مانند آيه: ﴿أَ لَكُمُ الذَّكُرُ وَ لَهُ الْأُنْثِي ﴿ (نجم / ٢ ) ؛ و آيه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بآياتِنا وَ اسْتَكَبَرُوا عَنْها لا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبُوابُ السَّماءِ وَ لا يدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يلِجَ الْجَمَلُ في سَمِّ الْخِياطِ وَكذلِك نَجْزى الْمُجْرِمينَ ﴾ (اعراف/٤٠)؛ استفاده نموده است، ولی دأب قرآن همیشه اثباتی نیست؛ بلکه در مواردی که خلاف واقع باشد، قرآن کریم یا به دنبال انکار یا در مقام اصلاحش برمی آید (زمانی، مسشترقان و قرآن، ۱۳۷۸: ۱۷۰) به عنوان نمونه، مقصود از «اصر و اغلال» در آیه: ﴿ ... وَ يضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيهِمْ ... ﴾ (اعراف/١٥٧)؛ زنجیرهای آهنی نیست؛ بلکه خرافات و اوهامی بودند که در همه امور، اعراب را در برگرفته بودند (مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ١٣٧٤: ٢٦٤/١). همچنين مسئله توحيد كه به سمت بتيرستي منحرف گشته بود و مقوله تجارت که بهسوی رباخواری رفته بود، سعی همه انبیاء از جمله تالاش پیامبر گرامی اسلام ﷺ، بر تصحیح آن متمرکز بود (معرفت، نقد شبهاتی پیرامون قرآن کریم، ۱۳۸۵: ۱۶۲ و ۲٤٥). ٢. ادعاى مذكور با مفاد آياتي، مانند آيه: ﴿لا يأتيهِ الْباطِلُ مِنْ بَين يدَيهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزيلُ مِنْ حَكيمٍ حَميد ﴾ (فصلت/٤)؛ كه هرگونه بطلاني را از قرآن نفي ميكند، منافي است. همين طور، با مفهوم آيه: ﴿ ذَلِكَ بَأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْباطِلَ وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ﴾ (محمـد/٣)؛ كـه قـر آن را بـه «الحق» متصف مىنمايد، متضاد است؛ چراكه حقّ، به معناى امر ثابت و مطابق با واقع است؛ پس قرآن كريم واقع گراست، نه نمايشگر صرف فرهنگ زمانه در عصر نزول قرآن.





ادله مدعیان تعارض علم و قرآن، از منظر آیات قرآن صحیح نیست.

- ۱. راز و سرّی ناگشوده، در همه آموزههای قرآنی وجود ندارد و اگر هم باشد، از روی اقتضای ماهیت هدایتی و تربیتی قرآن است؛
  - ۲. گزارههای قرآنی، در ظرف خودشان تجربه پذیرند؛
- ۳. برخی از برداشتها و تفاسیر مفاهیم قرآنی هم، با شیوه خاص خود ابطال پذیر و نقد پذیر هستند؛
- عرفت حضوری و شهودی، نشانه برتری قرآن کریم است. اسرار و رخنهها، نه تنها با حضور خداوند منافی نیستند، بلکه ملائم یقین و ایمان هستند؛
- های قطعی و مسلم در علوم تجربی، می تواند قرینهای منفصل در تغییر معانی ظواهر
   قرآن به شمار بیایند؛
- 7. هیچوقت، میان علوم تجربی از نوع قطعی و آموزه های قرآن به لحاظ واقعنمایی هر یک، تعارضی حاکم نیست. منشأ وجود ادعای تباین، اهداف دنیوی بانیان علم تجربی و حاشیه رانی قرآن کریم از اداره جامعه به ابعاد فردی توسط آنهاست.

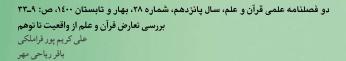


#### منابع

- ۱. ترجمه قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم: ۱۳۸۷.
- ۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الدین، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیه المرعشی النجفی، قـم:
   ۱٤٠٤ ق.
- ۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، دار بیدار للنشر، قم: ۱۳۶۹ق.
  - ٤. ابوحجر، احمد عمر، التفسير العلمي في الميزان، دار قتيبه، بيروت: ١٤١١ق.
- ٥. آلوسى، سيد محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، دارالكتب العلميه، ببروت، 1810ق.
- ۱۳۷۹ باربور، ایان، علم و دین، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: ۱۳۷۹ ش.
  - ٧. بحراني، هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، بنياد بعثت، تهران: ١٤١٦ق.
  - ٨. بلاغي، سيد عبدالحجت، حجة التفاسير و بلاغ الاكسير، انتشارات حكمت، قم: ١٣٨٦ش.
- ۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت:
   ۱٤۱۸ق.
- 1۰. ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت: ١٤٢٢ق.
- ۱۱. جان اف. هات، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ترجمه: بتول نجفی، کتاب طه، تهران: ۱۳۸۵ م. ۱۳۸۵ م.
  - ۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، اسراء، قم: ۱۳۸۳ش.
  - ۱۳. ـــه شناخت شناسی در قرآن، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۰ش.
    - ۱٤. رضایی اصفهانی، محمدعلی، رابطه علم و دین، اسوه، قم: ۱۳۷۵ش.
- 10. \_\_\_\_ ، نقد و بررسى مقاله قرآن و علم دائره المعارف لايدن، مجله قرآن و علم، ش ١، ١٣٨٦ش .



- ۱۶. \_\_\_\_ فراهی بخشایش، علی اکبر، «پیش فرض های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم»، مجله قرآن یژوهی خاورشناسان، شماره ۱۳، ۱۳۹۱ش.
- ۱۷. روحانی مشهدی، فرزانه؛ معارف، مجید، «ماهیت شناسی آسمانهای هفتگانه با تکیه بر مؤلفههای خلق و امر در آیات قرآن»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
- ۱۸. زمانی، محمد حسن، مسشترقان و قرآن، پژوهشگاه بین المللی المصطفی العالمیه، قم: ۱۸. سرمانی، محمد حسن، مسشترقان و قرآن، پژوهشگاه بین المللی المصطفی العالمیه، قم:
- 19. سبحاني، جعفر، الالهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، المركز العالمي للدراسات الاسلاميه، قم: ١٤١١ق.
  - ٠٢٠ سمرقندي، نصر بن محمد بن احمد، تفسير السمرقندي، دارالفكر، بيروت: بي تا.
- ۲۱. شریف رضی، نهج البلاغه، مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران: ۱۳۷٦.
  - ۲۲. صادقی تهرانی، محمد، زمین و آسمان و ستارگان از نظر قرآن، امید فردا، تهران: ۱۳۸۰ش.
- ۲۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، انتشارات مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران: ۱۳۸۳ش.
- ۲٤. صفایی پور، حامد، «اصل آنتروپیک (انسان مداری) و جنبه های فلسفی معاصر آن)»، مجله علم و دین، شماره ۸، دوره ۶، ۱۳۹۲ش.
- ۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، قـم: ۱٤۱۷ ق.
  - ٢٦. طنطاوي، الجواهر في تفسير القرآن، دارالفكر، بيروت: بي تا.
  - ٧٧. طوسى، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، داراحياء التراث العربي، بيروت: بي تا.
    - ۲۸. طوسی، محمد بن حسن، امالی، دارالثقافه، قم: ۱٤۱٤ ق.
  - ٢٩. عروسي حويزي، عبد على بن جمعه، تفسير نورالثقلين، انتشارات اسماعيليان، قم: ١٤١٥ ق.
    - ٠٣٠. عضيمه، صالح، معناشناسي واژگان قرآن، انتشارات آستانه مقدسه، مشهد، ١٣٨٠ش.
    - ٣١. فخر رازى، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، دار احياء التراث العربى، بيروت: ١٤٢٠ ق.
- ٣٢. فضل الله، سيد محمدحسين، تفسير من وحى القرآن، دارالملاك للطباعه و النشر، بيروت: 1819 ق.





- ٣٣. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير، دارالهجره، قم: ١٤١٤ ق.
- ٣٤. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع لاحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران: ١٣٦٤ش.
- ۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۸ش.
  - ٣٦. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، دار الكتب الاسلاميه، تهران: ١٣٨٨ش.
  - ٣٧. \_\_\_\_ صيانت قرآن (پاسخ برخى از شبهات مستشرقان)، ادباء، قم: ١٣٩٧ش.
- ۳۸. گلشنی، مهدی، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۸۰ش.
- ٣٩. \_\_\_\_ هل يستغنى العلم عن الدين، تعريب: جعفر صادق الخليلي، موسسه الهدى للنشر و التوزيع، تهران: ١٤٢٤ ق.
- ٤٠. گنابادى، سلطان محمد، بيان السعادة فى مقامات العباده، موسسه الاعملى للمطبوعات، تهران: ١٤٠٨ ق.
- ٤١. گينتون، ژان، خدا و علم، ترجمه: دكتر عباس اگاهي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران: ۱۳۷٤ش.
  - ٤٢. مازندراني، محمد بن صالح بن احمد، شرح الكافي، المكتبة الاسلاميه، تهران: ١٣٨٢ش.
- ٤٣. متقى هندى، علاء الدين على بن حسام، كنزّل العمال في الاقوال و الافعال، موسسه الرسالة، بيروت: ١٤٠٩ ق.
- 33. مسترحمی، سید عیسی؛ فراهی بخشایش، علی اکبر، «نقد دیدگاه های مسشترقان در رابطه با تعارض قرآن و علوم طبیعی»، قرآن پژوهی خاور شناسان، شماره ۱۲، ۱۳۹۱ش.
  - ٥٤. مصباح يزدى، محمدتقى، آموزش فلسفه، موسسه در راه حق، قم: ١٣٧٦ش.
  - ٤٦. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن، موسسه الطباعه و النشر، تهران: ١٤١٦ ق.
    - ٤٧. مظفر، محمدرضا، منطق مظفر، دارالمعرفه، بيروت: ١٤٠٣ ق.
- ٤٨. معرفت، محمدهادى، نقد شبهاتى پيرامون قرآن كريم، ترجمه: حسن حكيم باشى و ديگران، التمهيد، قم: ١٣٨٥ش.
  - 83. مكارم شيرازى و همكاران، ناصر، تفسير نمونه، دارالكتب الاسلاميه، تهران: ١٣٧٤ش.
    - ۵۰. نیازمند شیرازی، یدالله اعجاز قرآن از نظر علم امروزی، میهن، تهران: ۱۳۳۵ش.

# Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer Y·Y\, \o(\tau\), \o(\tau\), \o(\tau\), \o(\tau\). Analyzing and Studying the Conflict between the Quran and Science from Reality to Illusion

Ali Karimpoor Qaramaleky Baqir Riahi Mehr

#### References

- 1- The Holy Quran, Translated by Naser Makarem Shirazi, Nasl Jawan Publications, Qom: Y.A.
- T- Abu Hajar, Ahmad Umar, Al-Tafsir al-Ilmi fi al-Mizan [The Scientific Interpretation in Al-Mizan], Dar Qutaybah, Beirut: \\( \frac{\xi}{2} \) \( \text{AH}. \)
- ٤- Adhimah, Saleh, Semantics of Quranic Words, Astaneh Muqaddasah Publications, Mashhad: ۲۰۰۱.
- Alusi, Mahmoud bin Abdullah, Ruh al-Ma'ani fī Tafsir al-Qurn al-'Azim [The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quan], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1510 AH.
- Angelika Neuwirth, Cosmology. Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, Vol. \, pp. ξξ - ξοΛ.
- A- Balaghi, Seyyed Abdul Hujjat, Hujjat al-Tafasir wa Balagh al-Aksir [The Guide for Exegesis and Elixir of Eloquence], Hekmat Publications, Qom: Y. . Y.
- 9- Barbour, Ian, Science and Religion, Translated by Bahauddin Khorramshahi, Markaz Nashr Danishgahi (IUP) [Institute of University Press], Tehran: Y • •.
- ۱۰- Baydawi, Abdullah bin Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil [The Lights of Revelation and the Secrets of Hermeneutic], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱٤١٨ AH.
- 11- Fadlallah, Seyyed Muhammad Hossein, Min Wahy al-Quran [(Lessons) From the Revelation of Quran], Dar al-Malak for Printing and Publishing, Beirut: 1519 AH.
- Y- Fakhr al-Razi, Muhammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb [The Keys of Hidden World], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: Y Y AH.
- ۱۳- Fayyumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Misbah al-Munir [A Luminescent Lamp], Dar al-Hijrah, Qom: ۱٤١٤ AH,
- 1 ξ- Golshani, Mehdi, Does not the Science Need to Religion?, Translated into Arabic by Ja'far Sadiq al-Khalili, Al-Huda Institute for Printing and Distribution, Tehran: 1 ξ γ ξ AH.
- , From Secular Science to Religious Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran: Y •• 1.



#### دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال پانزدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱٤٠٠، ص: ۳۳-۹ بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم علی کریم پور قراملکی باقر ریاحی مهر



- الله Gonabadi, Sultan Muhammad, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah [The Expression of Happiness in the Stages of Worship], Muassasah al- A'lami lil Matbuaat, Tehran: المعادلة المع
- Y- Guitton, Jean, God and Science, Translated by Dr. Abbas Agahi, Islamic Culture Publishing Office [Daftar Nashr Farhang Islami], Tehran: 1990.
- ۱۸- Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid bin Hibbatullah, Sharh Nahj al-Balaghah [Commentary on Peak of Eloquences], Library of Ayatollah al-Mara'shi al-Najafi, Qom: ۱۶۰ AH.
- 19- Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Muhammad bin Ali, Mutashabih al-Quran wa Mukhtalifuh [The Obscurities of Quran and Its Disputed Verses], Dar Bidar Publications, Qom: 1779 AH.
- Javadi Amoli, Abdullah, Adab Fanaye Moqarraban [The Etiquette of the Annihilation of the Close-Ones], Esra, Oom: Y • • £.
- 77- John F. Haught, Science and Religion: From Conflict to Conversation, Translated by Batool Najafi, Taha book, Tehran: 7...7.
- Y"- Karimpoor Qaramaleki, Ali, The Protection of Quran (Answer to Some Doubts of Orientalists), Udaba, Qom: Y • YA.
- ۲٤- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Usul Kafi, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲۰۰۹.
- Yo- Ma'refat, Muhammad Hadi, Critique of Doubts about the Holy Quran, Translated by Hassan Hakimbashi et al., Al-Tamhid, Qom: Y • 7.
- Maher Jarrar, Heaven and sky. Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, Vol. 7, Pp. ٤١٠- ٤١٢.
- YV- Makarem Shirazi et al., Nasser, Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: 1990.
- Y9- Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi, Philosophical Instruction, Muassasah Dar Rah Haq, Oom: Y99Y.
- Mustafavi, Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim [A Research in the Words of the Quran], Muassasah al-Tiba'ah wa al-Nashr, Tehran: 1517 AH.
- Mustarhami, Seyyed 'Isa; Farahi Bakhshaish, Ali Akbar, "Critique of Orientalists' Views on the Conflict between the Quran and the Natural Sciences", Journal of Orientalists' Quranic Studies, No. 17, 7 17.





# Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer Y·Y\, \0(YA), P:9-TT Analyzing and Studying the Conflict between the Quran and Science from Reality to Illusion

Ali Karimpoor Qaramaleky Baqir Riahi Mehr

- ۳٤- Niazmand Shirazi, Yadollah, The Miracle of Quran in Terms of Modern Science, Mihan, Tehran: ۱۹۶٦.
- Paul Kunitsch, Planets and stars. Encyclopedia of the Quran, ed. Jane Dammen Mc Auliffe, General Editor, Vol. 5, pp. 1 7 1 9.
- Qomi Mashhadi, Muhammad bin Muhammad Reza, Kanz al-Daqaiq [The Treasure of Delicacies], Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, Tehran: Y • V.
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jami' li Ahkam al-Quran [A Comprehensive Work for the Rules of the Quran], Naser Khosrow, Tehran: 

  90.

  90.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

  190.

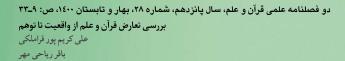
  190.

  190.

  190.

  190.

  190.
- Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Review of Quran and Science Article in Leiden Encyclopedia, Journal of Quran and Science, Vol. 1, 7 • V.
- The Relationship between Science and Religion, Uswa, Qom: 1997.
- ; Farahi Bakhshaish, Ali Akbar, "Orientalists' Assumptions Concerning the Conflict between the Quran and Science", Journal of Orientalists' Quranic Studies, No. 17, 7 17.
- 2 \ Rouhani Mashhadi, Farzaneh; Ma'aref, Majid, "The Nature of the Seven Heavens Based on the Components of Creation and Matter in the Verses of the Quran", Journal of Quranic and Hadith Sciences Research, No. 7, 7 17.
- 5 Y- Sadiqii Tehrani, Muhammad, Earth, Sky and Stars According to the Quran, Omid Farda, Tehran: Y . . Y.
- Σ<sup>κ</sup>- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim, Sharh Usul al-Kafi [Commentary on Usul al-Kafi], Cultural Studies and Research Publications, Tehran: <sup>κ</sup>·· <sup>ξ</sup>.
- <sup>ξ ξ</sup>- Safaeipour, Hamed, "Anthropic Principle and Its Contemporary Philosophical Aspects", Journal of Science and Religion, No. Λ, Vol. ξ, Υ ΥΥ.
- 50- Samarkandi, Nasr bin Muhammad bin Ahmad, Tafsir al-Samarkandi, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
- 51- Sharif Razi, Nahj al-Balaghah [Peak of Eloquence], Translated by Faiz al-Islam Isfahani, Faiz al-Islam's Works Printing and Publishing Center, Tehran: 1997.





- Sobhani, Ja'far, Al-Ilahiyyat ala Huda al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Aql [Theology on Base of the Guidance of the Quran, Sunnah and Reason], World Center for Islamic Studies, Qom: 1511 AH.
- Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Publications of the Seminary Teachers Association, Qom: Y & Y AH.
- <sup>§ 9</sup>- Tantawi, Al-Jawahir fi Tafsir al-Quran [The Jewels in the Exegesis of Quran], Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
- O - Tha'labi Neyshabouri, Abu Ishaq Ahmad bin Ibrahim, Al-Kashf wa al-Bayan an Tafsir al-Quran [The Discovery and Explanation on the Exegesis of Quran], Beirut: Dar al-Ihya' al-Turath al-Arabi, 15 Y Y AH.
- <sup>o</sup> \- Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran [A Clarification Concerning the Interpretation of Quran], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.